

تشریح عدالت طنین

مصاحبه با دکتر عباسعلی اکبری

وکیل پایه یک دادگستری - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

سرقت در روز روشن

سرقت مسلحانه در شهر تبریز و افزایش چشمگیر بزهکاری در کشور

نقدی بر قانون جرم سیاسی

نگاه فنی و تخصصی به مسئله قانونگذاری جرم سیاسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طنین عدالت

ماهنامه علمی و فرهنگی / آبان ماه / شماره ۴ / ۱۳۹۹

مدیر اجرایی: میثم سعادت‌تی متین
مدیر روابط عمومی: پویا سپاس

صاحب امتیاز: علیرضا حبیبی
مدیر مسئول: علی رستمی
سردبیر: هادی پشتیبان

اعضای هیات تحریریه

اساتید محترم دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی
میثم سعادت‌تی متین، بهزاد صادقی، هادی تخمه چیان فر
پویا زینال زاده، شاهین یادگار جمشیدی، علی وثوقی
بهنام کشوری، علی نوروز پور مقدم، ابوالفضل علیزاده

با تشکر ویژه:

از ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
معاون محترم امور فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
مدیر کل معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
رئیس مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
و اساتید محترم دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

فهرست

سخن سر دبیر

۱

کار آفرینی از صفر (۲)

۲

نقد صریح و مختصر بر قانون جرم سیاسی (۱)

۳

مصاحبه با دکتر عباسعلی اکبری

۵

طنز حقوقی (حقوق بین مسئولین بین الملل!)

۸

فیلم و کتاب حقوقی

۹

سرقت در روز روشن

۱۰

اخبار حقوقی

۱۱

شعر حقوقی

۱۳

ارتباط با ما

۱۴

سخن سرسبز

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم‌گری نهی می‌کند. شما را اندرز می‌دهد تا متذکر [این حقیقت] شوید [که فرمان‌های الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست]. (سوره نحل آیه ۹۰)

و چه دلنشین است فرمان الهی به عدالت و احسان و بخشش، و چه زیبا است پیروی و تبعیت از فرمان الهی. فرا خواهد رسید روزگاری که برپادارنده عدالت، طنین عدالتش نیکوکار و بدکار را فراگیرد و ضامن سعادت دنیا و آخرت ما باشد و مانیز با تمام توان به پا ایستاده ایم تا با این آوای دلنشین هم صدا باشیم و این یعنی حرکتی به سوی سعادت‌مندی و خوشبختی که پایداری و استقامتش را از خداوند متعال برای مجموعه‌ی نشریه‌ی طنین عدالت خواستاریم. گامی دوباره برداشتیم و شماره چهارم از نشریه طنین عدالت را در مقابل دیدگان پر مهر شما قرار دادیم، این شماره از نشریه نیز به مانند آثار قبلی مجموعه در دو نسخه چاپی و دیجیتالی طراحی گردیده است که به دلیل شرایط کنونی بوجود آمده به انتشار نسخه دیجیتالی اکتفا نموده و در صورت اتمام تمامی محدودیت‌ها و به صلاحدید مسئولین محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز اقدام به انتشار نسخه‌های چاپی نیز خواهیم کرد، گزارشات رسیده حاکی از آن است که نسخه قبلی منتشر شده، تبدیل به یکی از پربیننده‌ترین نشریه دانشگاهی گشته که این مهم را مدیون زحمات و راهنمایی‌های اساتید گرانقدر و نگاه گرم و صمیمانه شما هستیم. تلاش خواهیم کرد، تا لایق لطف و محبت شما باشیم..



کار آفرینی از صفر (۲)

با سلام و درود بر شما خواننده محترم قبل از آغاز هر صحبتی این را وظیفه خود می دانم که از استقبال عالی و بسیار اشتیاق برانگیز شما عزیزان از چاپ مهر ماه ماهنامه فرهنگی و علمی طنین عدالت تشکر ویژه نمایم. شایان ذکر است که مطلب حاضر در ادامه شماره قبلی مقاله کارآفرینی از صفر آمده است که شما دوست عزیز می توانید شماره قبلی این مطلب را از سایت زیر مطالعه بفرمایید:

www.iaut-nte.ir

گریزی بر مطلب گذشته: در مقاله قبلی به این نتیجه رسیدیم که برای کارآفرینی نیازمند امکانات و ظرفیت های مادی و معنوی و ذهنی هستیم و همچنین برای افزایش قدرت و ظرفیت های مذکور در خود باید از همکاری و تعامل با دیگران بهره ببریم. اما چگونه؟؟؟ به سوالاتی که از شما میپرسم چند لحظه ای تامل کنید: آیا برای راه اندازی یک تجارت و کارآفرینی باید مراحل و موانع قانونی پشت سر گذاشته شود و مجوز های لازم اخذ شود؟ آیا برای کارآفرینی به سرمایه اولیه نیاز داریم؟ آیا برای انجام هرچه بهتر تجارت خود به تجربه و تخصص نیازمندیم؟ برای گسترش تجارت خود و ورود به وادی کارآفرینی به استخدام نیروی انسانی و انتقال تجربه نیازمندیم؟ آیا برای پیشبرد یک تجارت به مکان خاصی (از جمله سوله، سالن، کارگاه، دفتر کار) نیازمندیم؟ پس از تامین تمام موارد فوق آیا برای بهره وری هر چه بیشتر از موارد فوق به توانایی مدیریتی مناسب نیازمندیم؟ بلاشک پاسخ

بسیاری از این پرسش ها مثبت بوده است و علاوه بر موارد فوق موانع دیگری هم برای تولید و کارآفرینی به ذهن شما خطور کرده است. با بررسی جزئیات امر تولید و کارآفرینی به این نتیجه میرسیم که تولید کنندگان و کارآفرینان چه زحماتی را برای سر پا نگه داشتن چرخ صنعت کشور متحمل می شوند. اما موضوع اصلی این است که ما برای درآمدزایی و کارآفرینی باید چه کنیم؟ آیا دل به دریا بزنیم و با تمام این سختی ها و خطرات شکست مستقیماً وارد عرصه تولید بشویم؟ آیا چاره ای هست که بدون ریسک و خطر و سرمایه های هنگفت وارد عرصه تولید و کارآفرینی شویم؟ خوشبختانه بله این شما و این هم راه چاره: راه حل در اتحاد و همکاری است.

اقتصاد مشارکتی (GIG Economy) راه چاره ای برای رشد و توسعه معیشت مردم و توزیع عادلانه درآمد است. اقتصاد مشارکتی بطور خلاصه به مفهوم استفاده مشترک از منابع در دسترس شرکا برای کسب سود و بهره مشترک میباشد. اقتصاد مشارکتی معمولاً با کمک اینترنت و بستر مجازی یا بطور کامل بر روی بستر مجازی فعالیت می کند. آیا میخواهید نمونه هایی از حضور قدرتمند اقتصاد مشارکتی را در

زندگی روزمره خود ببینید؟ کفایت به تلفن همراه خود نگاهی بیندازید؛ بلکه اکثر نرم افزار های پر استفاده و کاربردی که در طول روز با آنها سروکار دارید در بستر و پلتفرم اقتصاد مشارکتی فعالیت دارند. امروزه بستر نوپای اقتصاد مشارکتی در بسیاری از کشور های توسعه یافته و یا در حال توسعه رشد چشمگیری داشته است. برای پی بردن به این حقیقت به پیشرفت سریع صنعت تاکسی های اینترنتی در ایران نگاه کنید، بدیهی است که رشد سریع و پر قدرت این صنعت که در بستر قدرتمند اقتصاد مشارکتی قرار دارد در سایه مشارکت

همگانی و همکاری بین اشخاص و مردم می باشد. در واقع در بستر اقتصاد مشارکتی پس از انجام تحقیق و اعتبار سنجی های لازم در مورد شریک طرف قرار داد و تامین موارد نیاز برای آغاز شراکت خود، میتوان از امکانات و قدرت ها و حتی نام تجاری شریک استفاده کرد در این شراکت که بین اشخاص حقیقی یا حقوقی که حداقل یکی از طرفین با استفاده از منابع، امکانات و توانایی های خود مسیر تولید و کارآفرینی را هموار ساخته است صورت میگیرد بهره عایدی باید بصورت عادلانه تقسیم شود همه ما آموخته ایم و میدانیم که برای جا به جا کردن اجسام سنگین و انجام دادن کار های سخت باید از اهرم استفاده کنیم، چرا برای کسب درآمد های بیشتر و ثروتمند شدن از اهرم استفاده نکنیم؟ در شماره بعدی این مقاله با ما همراه باشید تا نحوه استفاده از اهرم های درآمدی و ثروت ساز و نکاتی در مورد استفاده از قدرت اهرم در درآمد خود را باهم بررسی کنیم.

نویسنده: محمد اکبری اسبق

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری



نقدی صریح و مختصر بر قانون جرم سیاسی (۱)

در آغاز این نقد مختصر در مورد قانون جرم سیاسی لازم دانستم که توضیح کوتاهی در مورد این اثر خدمت شما عزیزان عرض کنم. این نقد، نقدی کوتاه و صریحی است همانطور که از عنوان آن پیداست. در این اثر بنده به شخصه سعی داشتم تا به نکات اصلی و اشکالات مهم این قانون اشاره کنم و به هیچ وجه در باب یک مقاله رسمی یا پایان نامه رسمی به آن نگاه نشود به این دلیل که یک مقاله رسمی حاوی اصول و قواعدی خاص و مشخص است و دارای قالب مخصوصی است که قاعدتاً باید در تحریر مقاله آن اصول و قواعد رعایت شوند چون لازم الرعایه هستند و به هیچ عنوان تعبیر اشتباه و نابجا و تفسیر مضیق (محدود) ایقاعی (یک طرفه) از این اثر بنده نفرماید چون من در صدد این مهم بودم که با ارائه این نقد کمی ساده تر و خلاصه تر از دیگر مقالات موجود در این زمینه که اساتید گرانمایه ارائه نموده اند مشکلات و مسائل موجود در این قانون مذکور را بررسی و تحلیل کنم. در پایان این سخن آغازین تاکید دارم که بنده در این اثر سعی بر کم ارزش یا بی ارزش نشان دادن فعالیت شخص حقیقی و حقوقی خاصی نیستم و سعی در نقد هیچ شخصی در هیچ مقامی نیستم و همانطور که ذکر کردم سعی در بیان برخی اشکالات موجود و حقایق هایی که طبق اسناد بین المللی و اصول مندرجه مربوطه در قانون اساسی نادیده گرفته شده هستیم با سپاس فراوان

در آغاز کمی از پیشینه حضور جرم سیاسی در طول این سال ها در قانون های سیاسی ایران صحبت می کنم. بیش از صد سال از ورود رسمی جرم سیاسی به نظام حقوقی ایران میگذرد برای نخستین بار متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ خورشیدی به جرم سیاسی اشاره کرد و این مفهوم حقوقی از آن زمان همواره در قوانین اساسی ایران حضور داشته است. در دوران های گذشته تاریخ ایران همواره تعریف دقیقی یک تعریف جامعی از جرم سیاسی نمایان نبوده است و همیشه این مشکل در زمان همه دولت ها بدون راه حل و حتی تقلیل مسائل و مشکلات موجود در آن باقی مانده است. حتی دوران قبل از انقلاب نیز جرم سیاسی و مجرم سیاسی وجود نداشت این نوع جرائم و مجرمان در زمره جرائم و مجرمان امنیتی قرار می دادند. در زمان انقلاب اسلامی اشاره ای به جرم سیاسی در قانون اساسی شد که تعریفی از این جرائم ارائه نکرده بودند به هر دلیلی که در آن زمان وجود داشت. تا این که در سال ۷۶ باریاست جمهوری وقت با وعده اصلاحات و احیای اصول معطل مانده قانون اساسی به عنوان یکی از اهداف خود مطرح کرد. در آن زمان پیش نویس لایحه جرایم سیاسی در قوه قضاییه تهیه و تدوین شد و به هیئت دولت ارسال شد و هیئت دولت پس از اعمال اصلاحات مورد نظر به خصوص در ارتباط با مصداق جرم

سیاسی و ترکیب هیات منصفه لایحه مزبور را به مجلس ششم فرستادند و در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۸۰ تصویب شد اما با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد و شورای نگهبان در برخی از موارد آن اشاره به مغایرت با شرع و قانون اساسی کرد و به مجلس استرداد کرد و مجلس با رد ایرادات شورای نگهبان اصرار بر مصوبه خود، آن را برای حل مشکل به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کرد که مجمع تشخیص مصلحت تمایلی برای ورود به این مساله نشان نداد و آن مصوبه مزبور سال ها بلا تکلیف ماند. در روز های آخر ریاست آیت الله شاهرودی لایحه ای در جلسه شورای عالی قضایی به سر انجام رسید و تصویب شد ولی موفق نشد به مجلس راه پیدا کند و همچنان مجلس در تمام ادوار فعالیت خویش را برای مشخص شدن این موضوع تا حد انجام داده است. ولی این تلاش راه به جایی نداشت تا این که در سال ۹۲ لایحه ای جدید تدوین شد که برای تصویب به مجلس فرستاده شد که در تصویب کلیات این طرح ۲۱ نماینده رای مخالف و ۸ نماینده رای ممتنع دادند. از ۱۹۴ نماینده هایی که در مجلس حاضر بودند و مخالفان به این اعتقاد بودند که این طرح احتیاج به نظر کارشناسی بیشتری دارد و به نظر شخص خودم هم حتماً به نظر کارشناسی خیلی بیشتری نیاز داشت تا که جامع تر شود و بعد از آن به عنوان قانون تصویب و مورد اجرا قرار گیرد. به هر حال قانون جرم



سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ شماره ابلاغیه: ۱۳۴۵۱/۳۶۰ و تاریخ ابلاغیه ۱۳۹۵/۳/۴ قانون فوق مشتمل بر ۶ ماده در روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و نود و پنج در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تایید شورای نگهبان رسیده است و در تابستان ۱۳۹۹ هم بعد از ۴ سال در قوه قضاییه به اجرا گذاشته شد.

بخش اول (در مورد ماده ۱ قانون جرم سیاسی و تعریف ارائه شده):

در ماده ۱ قانون مذکور تعریف دقیقی و تعریف جامع و مانعی برای جرم سیاسی احصا نشده است. و به نظر بنده مهم ترین ضعف این قانون را نه تنها این قانون بلکه مهم ترین ضعف در امر قانون گذاری عدم ارائه تعریف دقیق از جرم مورد نظر است و چنان که گفتم در این قانون این مشکل کاملاً مشهود است. به نظر من تعریف جرم در قانون باید به نوعی باشد که امکان افزودن یا کاستن پیزی بر آن میسر نباشد. یعنی همان جامع و مانع بودن تعریف است که به نوعی احصا شود که از تمام لحاظ جامع و بدون اشکال باشد و همه شرایط را مد نظر قرار دهد به خصوص شرایط موجود در جامعه و شرایط متهم را بیش از پیش مورد نظر قرار داد و مانع آن بودن آن نیز به نوعی است که نتوان هیچ دخل و تصرفی در آن داشت و نتوان ایرادی بر آن گرفت. در حالی که این قانون مستقیماً بدون ارائه شمایی دقیق از موضوع وارد مطلب شده اند و اصولاً آن آن چه در ماده ۱ قانون آمده تعیین مصداق است و نه تعریف جرم سیاسی. آن چه در این تعریف آمده بسیار اشتباه و غلط است زیرا وقتی می گوئیم اهانت و... با انگیزه سیاسی در این جا با این سوال بزرگ مواجه می شویم که تعریفی و پایه ای از جرم سیاسی نداریم از کجا انگیزه سیاسی را تشخیص دهیم و آن را تعریف کنیم؟

(که تشخیص و تعریف آن هم به عهده چه کسی و چه دادگاهی است؟ مشخص نشده که در بخش مخصوص خودش در مورد آن هم صحبت خواهد شد) و همین باعث اعمال سلیقه در محاکم و یا در خود قانون می شود. همانطور که در بعضی از قوانین وضع شده در کشور مثل قانون مطبوعات و قانون پیشگیری از جرم و... تمام اصول و قواعد قانون گذاری به نوعی رعایت شده و مخصوصاً در قانون مطبوعات که علی رغم تعریف دقیق تمام جزئیات و مصادیق آن و حتی دادگاه های صلاحیت دار نیز در آن رعایت شده و همچنین قانون پیشگیری از جرم مصوب نود چهار که در آن تعریف دقیقی از بحث پیشگیری از وقوع جرم احصا شده و همچنین نحوه اعمال پیشگیری و روشن کردن این موضوع که پیشگیری از وظایف کدام نهاد کشور است کاملاً احصا شده و کاملاً واضح و روشن بیان داشته و یا حتی قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور که مصوب سال ۱۳۸۴ بوده و به طور صریح مجازات های جرائم احصا شده در آن قانون مشخص شده علی رغم این که در قانون عادی کشور یعنی قانون مجازات اسلامی که خالی از مشکل نیست وضع شده بود ولی در این قانون به طور روشنی مجازات های آن جرائم مشخص و احصا شده و علی رغم این موضوع صلاحیت رسیدگی به جرائم مذکور که در قانون مجازات اخلاگران نظام اقتصادی کاملاً واضح ذکر شده صلاحیت رسیدگی دادگاه و دادسرای صالح را مشخص کرده که نکته خیلی تاثیر گذاری در قانون و در بحث قانون گذاری است و انتظار می رفت که در قانون جرم سیاسی نیز این گونه عمل شود که جرم سیاسی و مجرم سیاسی خیلی موضوع مهم تر و با اهمیت تر از دیگر موضوعات هست که باید تکلیف

این طرح بنا به نظر بنده و آن نمایندگانی هم که ۲۱ رای مخالف داده بودند به این طرح باید اعمال نظر کارشناسی بیشتری در مورد آن میشد که بعد از آن به قانون تبدیل می شد. ولی بدون اعمال نظر بیشتر حالا چه سهوا و چه عمدا متأسفانه با وجود مشکلات زیادی به قانون تبدیل شده است.

در شماره های بعد این نشریه با هم دیگر بیشتر به نقد صریح و مختصر قانون جرم سیاسی خواهیم پرداخت پس منتظر باشید...

نویسنده: ابوالفضل علیزاده
دانشجوی کارشناسی حقوق



مصاحبه با دکتر عباسعلی اکبری

ضمن تقدیر و تشکر از قبول این مصاحبه برای اولین سوال بیوگرافی مختصری از خودتان را بفرمایید ؟

سپاسگذارم از جناب عالی به خاطر این مصاحبه که فراهم آوردید خیلی خوشحال هستم که در خدمت شما و دیگر دانشجویان عزیز و بزرگوار هستم بنده اهل شهرستان مرند هستم و اینجانب مقطع کارشناسی ارشد را از دانشگاه تهران با رتبه سه کشوری فارغ التحصیل شده ام و مقطع دکترای را در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی به پایان رسانده ام از سال ۱۳۸۰ در کنار تدریس کم و بیش به وکالت در دادگستری نیز مشغول هستم از همان سال در دانشگاه های مختلف من جمله دانشگاه علوم انتظامی، دانشگاه آزاد مراغه، دانشگاه آزاد تبریز و دانشگاه جامع علمی کاربردی تدریس داشته ام ولی از سال ۸۵ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد هستم و الان هم که در خدمت شما هستیم در دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تبریز مدیریت سه رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، حقوق بین الملل و حقوق عمومی در مقطع تحصیلات تکمیلی به عهده اینجانب می باشد

چه دلیلی باعث شد که شما از ایام جوانی به رشته حقوق علاقه مند بشوید و در این رشته ادامه تحصیل بدهید ؟

خوب البته این موضوع به دوره دبیرستان برمیگردد و بنده در مقطع دبیرستان در رشته علوم انسانی گرایش فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم استحضار دارید

که در رشته علوم انسانی، شاه رشته حقوق قضایی است و علاقه وافری که به این رشته داشتم توفیق شد در این رشته مشغول به تحصیل شوم

مستحضر هستید که امروزه این تفکر در بین افراد و خانواده ها مطرح می شود که علاقه یکی از مهم ترین عوامل موثر در انتخاب رشته هست آیا به نظر شما در رشته حقوق صرف وجود علاقه کفایت میکند یا باید استعداد خاصی رو هم فرد داشته باشد ؟

کلا بحث علاقه رمز موفقیت در هر مسیری است که انسان می خواهد آن را طی کند در همه امور اگر انسان علاقه ای نداشته باشه خروجی آن نمیتواند مطلوب باشد نمیگویم علاقه شرط کافی ولی شرط لازم و اصلی هست چون موضوع بحث ما در مورد تحصیل در رشته حقوق است قطعاً علاقه حرف اول را می زند. کسی که به رشته ای علاقه نداشته باشد بخصوص جایی که این بی علاقی ناشی از عدم سازگاری روحیات فرد با مباحث و مشاغل آن رشته باشد نخواهد توانست در آن رشته به موفقیت برسد برای مثال در رشته علوم انسانی فردی که رشته تاریخ را انتخاب می کند درحالی که در شرایط عادی حتی نمی تواند اخبار راجع به تاریخ تحمل کند طبیعتاً چنین فردی اگر به رشته تاریخ برود موفق نخواهد شد. علاقه به چه شکلی به وجود می آید؟ می توان گفت علاقه به دنبال سازگاری روحیات یک شخص با پدیده ها و توانمندی و استعداد وی در آن رشته به وجود بیاید بنابراین جواب سوال شما را با یک جمله تمام می کنم که بله علاقه مهم هست ولی کافی نیست در کنار آن توانمندی و استعداد هم مهم هست.

در کشور ما در چند دهه اخیر بسیاری از دانشگاه ها بدون در نظر گرفتن میزان فارغ التحصیل های این رشته شروع به جذب در این رشته کرده اند به نظر تان این عامل باعث ایجاد مشکل در آینده شغلی نمی شود ؟

در مورد بحث اشتغال، این امر جزو وظایف دولت و حاکمیت هست که زمینه اشتغال را عادلانه برای همه افراد فراهم کند ولی در کشور ما ورودی دانشگاه ها با خروجی آنها که جذب مشاغل حقوقی شوند به هیچ عنوان تناسب ندارد البته به این نکته هم اشاره کنم که هرکسی رشته حقوق بخواند لزومی ندارد حتما در یکی از مشاغل حقوقی مشغول شود چه بسا افرادی برای بالا رفتن اطلاعات حقوقی وارد این رشته می شوند رشته حقوق همانند رشته پزشکی کاربردیست حتی اگر در قالب ارائه خدمات به دیگران هم نباشد برای خود انسان هم در زندگی فردی اجتماعی مفید هست. افراد بشری از بدو تولد در محیط اجتماعی زندگی می کنند زندگی اجتماعی هم مبتنی بر

بر مقررات اجتماعی تنظیم می شود یعنی قوانین و مقررات روابط اجتماعی افراد را تنظیم می کند بنابراین اگر کسی حقوق بخواند حتی اگر در مشاغل حقوقی مشغول نشود باز هم ضرر نکرده بلکه اندوخته های علمی وی در رشته حقوق برای خود وی مفید و کاربرد دارد هر فردی از زمان تولد حتی قبل از آن یعنی دوران جنینی مورد حمایت حقوق خصوصی و کیفری است همان بحث اهلیت تمتع که در حقوق خصوصی مطرح می شود از زمان جنین شروع می شود. حقوق جزا نیز دایره شمولش از زمان جنین هست در واقع به این مسئله می خواهم اشاره کنم رشته حقوق رشته کاربردی هست.

حالا بحث ما این هست که آیا دانشگاه های ما بر مبنای نیاز کشور دانشجوی می پذیرند؟ جواب منفی هست در نقاط مختلف کشور و حتی بخش ها شاهد تأسیس دانشگاه دولتی و غیر دولتی هستیم و بدون ضابطه اقدام به جذب دانشجوی در خیلی از رشته ها بخصوص در رشته حقوق می کنند درحالی که بستری برای اشتغال این سیل عظیم دانشجویان نیست می توان گفت دانشگاه ها بیشتر به بحث درآمد زایی فکر کرده اند تا به تربیت متخصص. اغلب دانشگاهها به بحث اشتغال جوانان توجهی ندارند حتی این اشتغال برایشان اهمیتی ندارد. البته این را باید گفت دانشگاهها وظیفه در خصوص اشتغال فارغ التحصیلان ندارند بلکه دانشگاه محل تحصیل و آموزش هست و تأمین اشتغال بر عهده دولت هست این وظیفه دولت هست که ورودی دانشگاهها را با خروجی آنها همسان سازی کند. در آزمون های مشاغل حقوقی سیل عظیمی از جمعیت فارغ التحصیل های رشته حقوق شرکت می کنند نمی توان گفت که چون متقاضیان زیاد هستند پس باید کانون وکلا یا اداره ثبت اسناد و املاک یا قوه قضائیه را ملزم کرد که همه آنها را جذب کنند در کشور ما این تناسب بین ورودی دانشگاه ها و جذب فارغ التحصیلان وجود ندارد و این یکی از سیاست های غلط دولت در سطح کلان است که با جذب بیشتر دانشجوی امید ایجاد می کند و بعداً این همه فارغ التحصیل را در گرداب بیکاری به حال خودشان رها می کند و متعاقب آن آسیب های اجتماعی بروز می کنند. من همیشه در کلاس هم به دانشجویان خود می گویم که جذب دانشجوی تا یک مقطعی به این شکل بود که همه دوست داشتند از فیلتر تنگ کنکور رد بشوند و کنکور مثل لوله باریک قیف هست همه میخواستند از اون قسمت باریک وارد دانشگاه بشوند و خیالشان راحت بود که بعد از عبور از فیلتر کنکور بدون شک فارغ التحصیل می شوند تا دو دهی پیش





پیش چنین بوده است در کشور های توسعه یافته و صنعتی برعکس این جریان حاکم است در واقع همه در این کشورها خیلی ها می توانند با حداقل امتیازات وارد دانشگاه بشوند ولی وقتی وارد دانشگاه شدند امکان فارغ التحصیلی سخت میشود و خیلی افراد هم به همین دلیل تحصیل را رها می کنند اما بیش از یک دهه هست که در ورودی و خروجی دانشگاههای ما اصلا فیلتری وجود ندارد همه می توانند از یک طرف وارد و با اخذ مدرک از طرف دیگر خارج بشوند در این وضعیت با سیل عظیم فارغ التحصیلان رشته حقوق که بیکار هستند مواجه هستیم صرف نظر از این مشکلات رشته حقوق فی نفسه رشته کاربردی هست و هر انسانی در طول زندگی فردی و اجتماعی هزاران بار مسائل حقوقی مواجه می شود علم حقوق علم زندگی و مدیریت جامعه است نظم جامعه جهانی در گروه وضع و رعایت این قواعد حقوقی است.

ترازو **هستند دانشجویانی که بعد اتمام دوره کارشناسی در رشته حقوق تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دارند و از آنجایی که تنوع رشته در این مقطع زیاد هست ولی دو رشته پرمقاصی که یکی حقوق جزا و جرم شناسی هست و یکی هم حقوق خصوصی، سوال بنده این هست که بین کسی که حقوق خصوصی خوانده و حقوق جزا و جرم شناسی چه تفاوت و تاثیری می تواند در آینده شغلی داشته باشد؟**

ما در مقطع تکمیلی رشته حقوق، گرایشات زیادی (بالغ بر ده گرایش) داریم اما چهار گرایش اصلی رشته حقوق، حقوق خصوصی، حقوق جزا و جرم شناسی، حقوق عمومی و حقوق بین الملل می باشد در دو دهه گذشته گرایشات دیگری مثل حقوق نفت و گاز، حقوق محیط زیست، حقوق بشر. البته اشاره خوبی داشتید ما نمی خواهیم در بین این رشته ها خوب و بد را انتخاب کنیم کلا رشته حقوق در شمول خودش کاربردی است اما چون مشاغل وکالت، قضاوت و سردفتری بیشتر مد نظر دانشجویان هست در مورد این مشاغل دو رشته حقوق خصوصی و حقوق جزا کاربردش بیشتر است حتی اگه واقع بینانه نگاه کنیم حقوق خصوصی شمولش از حقوق جزا هم گسترده هست و سطح وسیعی از روابط فردی و اجتماعی را پوشش می دهد حقوق جزا هم با ضمانت اجراهای کیفری از حقوق خصوصی افراد و ارزشهای مهم جامعه حمایت کیفری می کند البته شناخت عوامل وقوع انحرافات و جرایم و پیشگیری از آنها نیز در حیطه مباحث حقوق جزا و جرم شناسی است. در هر حال این دو رشته در مشاغل حقوقی کاربرد بیشتری دارند. در آزمون قضاوت و وکالت در بین سوالاتی که طرح میشود نسبت حقوق خصوصی به جزا بیشتر هست این دورشته نه در وکالت و قضاوت بلکه در مشاغل حقوقی نسبت به سایر رشته ها کاربردی تر هست. ولی این دلیل نمیشود

سایر رشته ها توجه نکرد مثلا کسی که حقوق بین الملل خوانده درست است که در حوزه محاکم داخلی شاید کاربرد آنچنانی نداشته باشد ولی در حوزه مراجع بین المللی و قواعد و مقررات حاکم بر روابط کشورها و اتباع آنها با یکدیگر حائز اهمیت است.

ترازو **در رابطه با دانشجویان پسر که با مشکل سربازی مواجه هستند و از طرفی هم علاقه دارند ادامه تحصیل داشته باشند بین اولویت اول خودشان می مانند که اول سربازی بعد ادامه تحصیل و یا اول ادامه تحصیل بعد سربازی توصیه شما چیست؟**

این سوال در حوزه تخصص بنده نیست و برمیگردد به مصلحت و سلیقه های خودشان ولی آن چیزی که برداشت من هست خدمت سربازی برای همه جوان های پسر الزامی هست اما اگر سربازی در اولویت باشد بهتر خواهد بود چرا که اگر قائل به این باشیم که اول ادامه تحصیل بدهد و بعد سربازی. در واقع شخص بعد از تحصیلات تکمیلی باید همه اندوخته های علمی را کنار گذاشته راهی خدمت سربازی شود بدون شک در این شرایط از شرایط تحصیل و آمادگی علمی فاصله میگیرد این دوری از محیط دانشگاه باعث میشود شخص بعد از خدمت سربازی به سختی به شرایط تحصیل برگردد چون اگر این چنین نباشد نمیتواند موقعیت های مناسب شغلی را شکار کند چرا که مشکل سربازی تبدیل به مانع بزرگی میشود. البته این نظر در مورد همه یکسان نیست بعضی ها با توجه به شرایط خاص خود تحصیل را ادامه میدهند و احساس میکنند که بعد از سربازی ادامه تحصیل برایشان ممکن نیست در این صورت اگر برای فردی این چنین باشد بهتر هست بعد از اتمام تحصیلات به خدمت برود.

ترازو **خود شما حقوق خوانده اید و از طرفی هم وکیل هستید اگر به گذشته برگردید وکالت را انتخاب می کنید یا قضاوت؟ کدام یک را برای دانشجویان ها توصیه می کنید؟**

طبیعتا به گذشته یعنی دیپلم برگردم شکی نیست همین رشته را انتخاب میکنم چرا که مورد علاقه من هست و توانمندیم هم در این رشته بیشتر و برجسته است این را هم اشاره کنم بنده بعد از قبولی در وکالت و شروع به کارآموزی، در آزمون قضاوت هم شرکت کرده و قبول شدم و تا کارآموزی قضاوت هم پیش رفتم ولی چون آن زمان کارآموز وکالت بودم و به دادگستری هم رفت و آمد داشتم و با محیط آنجا هم آشنایی داشتم و احساس کردم شغل قضاوت باروحیه بنده سازگاری ندارد در حالی که قضاوت یک شغل سخت و فنی هست ولی سیل متقاضیان شغل در رشته حقوق باعث شده این دیدگاه مد نظر نظر قرار نگیرد چرا که خیلی ها بر این باورند یک شغل آبرومندی باشد و همین کافی هست و اینکه در این شغل توانایی داریم یا نه را به هیچ عنوان در ذهن خود مرور نمی کنند. این را به عنوان مقدمه عرض کردم که شغل قضاوت

استرس خاص خودش را دارد قضاوت مستقیما با حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی سرکار دارد یعنی با جان و مال ناموس و عرض افراد کار دارد و در مورد آنها تصمیم میگیرد. شغل قضاوت شغل سختی هست و شخص باید علاقه و توان مندی داشته باشند من یادم هست وقتی کار آموز وکالت بودم در یکی از دادگاه های خانواده یک کار آموز قضاوت بود و دادگاه میخواست که در مورد حضانت دو طفل تصمیم بگیرد. دادگاه تصمیم گرفت حضانت را بسپارد به پدر ولی آن بچه ها آنقدر برای مادر بی ثباتی میکردند و حاضر به ماندن در پیش پدر نبودند این آقای کار آموز قضاوت نمی توانست احساسات خود را کنترل کند و در پشت میز قضاوت در کنار قاضی دادگاه گریه میکرد!!! همین فرد بعدها شغل قضاوت را رها کرد. قضات دادگستری مستخدم دولت هستند در ساعات اداری باید در دادگستری حضور داشته باشند و بعضا به عنوان قاضی کشیک انجام وظیفه می کنند این محدودیتها در شغل وکالت آنچنان وجود ندارد وکیل آزادی عمل دارد که کدام پرونده را انتخاب کند در کدام شاخه ها فعالیت کند و یا کم کار کند یا زیاد این ها همه در اختیار خود وکیل هست.

ترازو **ما در کشورمان دو مرکز تحت عنوان کانون وکلا و مرکز مشاوران را برا شغل وکالت داریم کانون وکلا دارای استقلال هست ولی مرکز مشاوران به هر حال زیرمجموعه قوه قضائیه هست در حرفه وکالت به نظر شما کدام بهتر هست و با اخلاق حرفه ای و شغل وکیل سازگاری بیشتری دارد وکیل که دارای استقلال هست یا وکیل که به نحوی در زیر مجموعه قوه قضائیه؟**





موازی کاری در کشور ما متأسفانه نه تنها در مشاغل حقوقی بلکه در سایر مشاغل هم وجود دارد اعتقاد بنده این است که باید نهاد های دخیل و مرتبط در یک سازمان متمرکز شوند نمی توانیم به موازات شغلی که زیر مجموعه نهاد مدنی قدیمی است مشاغل مشابه در زیر مجموعه نهاد دیگر دولتی ایجاد کنیم بنابراین ، این یک اصل هست که موازی کاری ، کار صحیحی نیست ولی در مورد وکالت عرض کنم کانون وکلای دادگستری در زمان دکتر مصدق به استقلال رسیده هست و این استقلال چیزی نیست بعد از گذشت قریب به هفتاد سال به راحتی قائل به نفی آن باشیم!! در کشور های جهان کمتر کشوری می توانیم پیدا کنیم که استقلال وکلا را نپذیرفته باشد بنده اعتقاد دارم که کانون وکلا نباید زیر مجموعه قوه قضائیه باشد اگر چنین شود قوه قضائیه به راحتی می تواند دخالت کند و استقلال وکلا را زیر سوال ببرد. نمی گویم که دخالت منفی میکند همین که امکان دخالت منفی وجود داشته باشد این یعنی استقلال وکیل را به مخاطره میندازد. کانون وکلا یک نهاد مدنی صنفی مستقل هست و قریب به هفتاد سال است که به حیات خودش ادامه میدهد و از نظر تخلفات صنفی دادسرا و دادگاه انتظامی مستقلی دارد این به معنای این نیست که نظارت وجود ندارد خود قوه قضائیه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا یا تصمیماتی که در واقع کانون وکلا در مورد وکلا می گیرند از طریق دادگاه انتظامی قضات نظارت می کند و یا حتی کمیونی هست که متشکل از سه نفر یعنی رئیس کانون وکلا دادگستری رئیس دادگستری حوزه مرکز استان و رئیس دادگاه انقلاب می باشد یعنی این کمیون تعداد کارآموزان مورد نیاز را در حوزه هر کانون تعیین می کند اکثریت اعضای این کمیون هم از افراد قوه قضائیه هستند بنابراین در تعیین تعداد مورد نیاز کارآموزان وکالت به وکلا اکثریت اعضا با قوه قضائیه است ولی خوب به این نکته اشاره کنم که این موازی کاری اساسا صحیح نیست قوه قضائیه باید به رسالت اصلی خود باید پردازد نه پرورش وکیل آن هم از بودجه دولت . در حال که کانون وکلا در این مورد از جیب خودش هزینه می کند.

در عمل بارها دیده ایم که وکلایی که تابع قوه قضائیه هستند در همه پرونده ها بی که کار می کنند آن استقلال لازم را ندارند شاید هم در این مسیر با مشکلی مواجه نباشند اما از نظر استقلال آسیب پذیر هستند . وکیل نباید ترس از این داشته باشد که مبادا پروانه مرا ابطال کنند یا به بهانه ای شغلم را دست بدهم . در چنین شرایطی وکیل نمی تواند استقلال داشته باشد و رسالت و وظیفه ذاتی خود را مطلوب انجام دهد.

نظر تان در مورد ادغام این دو نهاد چیست؟

به نظرم بهتر است مرکز مشاوران در کانون وکلا ادغام شود بهتر است. تا استقلال کانون وکلا کمی سابق حفظ شود. استقلال کانون وکلا یک معیار توسعه یافتگی حقوقی در یک کشور هست قوه قضائیه که اصرار دارد کانون وکلا در زیر مجموعه خودش قرار بگیرد توجیهش هم نظارت و ایجاد اشتغال است!! مگر در حال حاضر به طور غیر مستقیم نظارت ندارد؟ مگر قوه قضائیه عهده دار ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلا حقوق است!!!. بنابراین در جامعه کنونی اگر کانون وکلا را در زیر مجموعه قوه قضائیه ببریم من فکر کنم جوامع آینده ما را نخواهند بخشید بنابراین همچنین قائل هستیم که کانون وکلا باید استقلال داشته باشد یک توجیه دیگر برای این کار بحث اشتغال زایی هست سوال من در اینجا این هست که اگر شما هدفتان افزایش وکلا هست در این کمیون موجود که میزان تعداد وکلا را انتخاب میکنید اکثریت با قوه قضائیه(رئیس دادگستری و رئیس انقلاب) هست از آن طریق می توانید افزایش بدهید چه لزومی دارد یک نهاد موازی تاسیس بکنید و کلی هزینه صرف کنید. مسئله دیگر این هست که آیا قوه قضائیه وظیفه دارن به تعداد فارغ التحصیلان وکیل جذب کند؟ آیا جامعه ما ظرفیت این همه وکیل را دارد؟ آیا این ساختار فراهم هست ؟ این باعث بروز مفاسد و معضلات اجتماعی می شود وکیل اگر بیکار باشد به انحراف کشیده می شود بسیاری از کارآموزان به بنده مراجعه می کنند و گله مند هستند از بیکاری . اگر به همه فارغ التحصیلان پروانه وکالت بدهند بدون شک با سیا عظیم وکلای بیکار مواجه خواهیم بود. به بیکاری وکلا مسلما مشکلات و انحرافات زیادی را به دنبال خواهد داشت. دیگر نمی توانیم از وکیل بیکار انتظار دفاع از حق و اجرای عدالت داشته باشیم بنابراین به جای افزایش بی حد و حصر جذب وکیل و به اصطلاح ایجاد اشتغال کاذب باید تدابیر دیگری اندیشید که این مهم به عهده دولت است نه قوه قضائیه.

بسیار ممنون از شما بابت پاسخ به سوالات ما اگر توصیه و یا نکته خاصی مد نظر شما هست برای مخاطبان ما بفرمایید ؟

بنده برای همه دانشجویان به ویژه دانشجویانی که در این دانشگاه خدمتتون بوده ام همه شون را سرمایه اجتماعی کشور می دانم و به همه آنها میبالم و وقتی احساس می کنم که با امید و با شور و شوق

درس میخوانند خرسند میشوم و سعی من بر این هست که تا جایی که میسر است برایشان کمک و مساعدت کنم. ولی یک واقعیت را برای همه دانشجویان عزیز عرض کنم که با امید و همت مضاعف اهداف متعالی خود را دنبال کنند. من به آنها این نوید را می دهم که اگر با امید به خداوند متعال و تکیه بر پشتکار خودشان را مسیر موفقیت را طی کنند قطعاً به مقصد و هدف خواهند رسید. و هیچوقت ناامید نشوند چرا که منشا تمام شکستها و بدبختیها ناامیدی است. من در سال ۸۲ الی ۸۴ در این دانشکده تدریس می کردم دانشجویان آن زمان نگران بیکاری و آینده خودشان بودند همان دانشجویان سال ۸۲ با الان با بنده همکار هستند بنابراین الان معلوم میگردد نگرانی دانشجویان در آن زمان بی مورد بود دنیای امروز، دنیای رقابت هست و برای نشان دادن توانمندی خود باید در میدان رقابت بجنگید تا پیروز شوید. حتی اگر بنابراین باشد به مشاغل حقوقی وارد نشوید باز هم در تحصیل این رشته(حقوق) ضرر نخواهید کرد بلکه به هر حال خواهید برد. با این وضع رشته حقوق در مقایسه با سایر رشته های علوم انسانی جذب بالایی در مشاغل را دارد. غیر از افرادی که صرفاً برای ارتقای دانش خود یا اخذ مدرک وارد این رشته می شوند سایر فارغ التحصیلانی که می خواهند بازار وکالت، وکالت یا سردفتری بشوند باید خود را برای رقابت در این مسیر بیش از پیش آماده کنند تا اینکه موفق شوند.





طنز (حقوق بین مسئولین بین الملل!)

هر کسی که حقوق می خواند ۶ واحد درس حقوق بین الملل عمومی و ۴ واحد حقوق بین الملل خصوصی را باید پاس کند. از آنجایی که حقوق بین الملل مربوط به روابط فرا سرزمینی است و هر کسی از کشور تابع خود خارج شود، در شمول و حمایت این حقوق قرار میگیرد. اما گفتنی است که در کشور ما، این حقوق مختص به اقشار خاصی از جامعه است. الان با خودتان این فکر را می کنید که نویسنده حتما دارد شوخی می کند. پس ادامه مطلب را بخوانید. با وجود این حال و روز کشور هشتاد و سه میلیون نفری ما، فقط برخی از مسئولین به حساب ملت شریف می توانند به سفرها قطر کنند. قشر خاص و پولدار و لاکچری مورد حمایت حقوق بین الملل هستند و به نظر می رسد کسی که پول ندارد این حقوق شامل او نمی شود. اما لازم به ذکر است که بعضی از مسئولین وقتی کشور را ترک می کنند، تعدادی از برو بچ را به اسم هیئت همراه با خود حمل کرده و به صفا سیتی می روند و عملاً قبل از سفر با همان برو بچ هماهنگ می شوند. حقوق بین الملل شامل برو بچ نیز می شود. شاید توجه نکرده باشید اما من می گویم و شما دقت کنید این افراد موقع خروج بصورت افسرده و بی حال کشور را ترک می کنند و بعد از بازگشت شاد و بشاش باز می گردند عده ای هم در راه بالا رفتن پله های هواپیما، ذوق زده می شوند و با لبخند می روند و گویی این منظور را می رسانند که ما رفتیم عشق و حال و همه این ها از برکات برخوردار از حقوق بین الملل است. همزمان که در حین عشق و حال در کشور دیگر هستند، حقوق بین الملل نیز شامل آنها و هیئت همراهشان می شود. از جمله حمایت های حقوق بین الملل میتوان به مصونیت های مقامات سیاسی اشاره نمود که در یک پکیج به نام مصونیت (خوشگذرانی) که شامل مصونیت سیاسی و کیفری و مدنی است، خلاصه می شود. سایر افراد یک کشور یعنی همان بی پول ها، باید شکرگذار اندک حقوق شهروندی باشند. اما پدر کو ندارد سودی به پسر! این مثل شامل برخی از آقا زاده های گلمون می شود و در مواردی دیده شده که پدر، پسر خود را نیز در جمع برو بچ (هیئت همراه) راه داد و دوتایی به سفر سیاسی رفته اند. در کل فراموش کنید که حقوق بین الملل شامل بی پول ها و قشر متوسط می شود. با وجود عوارض سنگین خروج از کشور، فقط می توانیم سوار پراید شده و به رد دادن چاله های خیابان ها بپردازیم و با این روش عشق و حال کنیم و اگر داخل چاله ای افتادید هم خودتان هم سرنشینان و هم خود حضرت پراید، همه باهم گیم اور خواهید شد. به راستی که برخی از حقوق برای ما مثل رویاست...

فیلم حقوقی

فیلم «دهلیز» ساخته بهروز شعبانی هم در مورد معلمی است که غیرعمد مرتکب قتل شده است و حالا که قاتل نام گرفته است در انتظار بخشش است، اما خواهر دوقلوی مقتول کوتاه نمی‌آید، معلمی که می‌خواهد برای پسر کوچکش پدری کند اما فرصتش را ندارد؛ می‌تواند داشته باشد، اما این فرصت را به او نمی‌دهند. این محکوم به اعدام با بازی متفاوت رضا عطاران در نزدیکی اجرای حکم، همزمان با تلاش‌های همسرش، لذت پدر بودن را کشف می‌کند. این دل‌بستگی، این احساس تعهد و این پیوند، او را به زندگی نزدیکتر می‌کند. در «دهلیز»، سایه اعدام بر سر همه خوشی‌های کوچک افتاده است. «دهلیز» هم مانند خیلی از فیلم‌های دیگر زندگی مردمان زیادی را به تصویر کشیده که نمی‌خواستند برچسب قاتل روی‌شان زده شود. جمع کردن دیه کاری نیست که از دست این خانواده‌ها بر بیاید، اما تمام تلاش‌شان را می‌کنند. دهلیز هم از آن دسته فیلم‌هایی بود که مخاطب را با فکر روبه‌رو می‌کرد، فکر اینکه اگر او به جای ولی دم بود چه تصمیمی می‌گرفت!

دهلیز

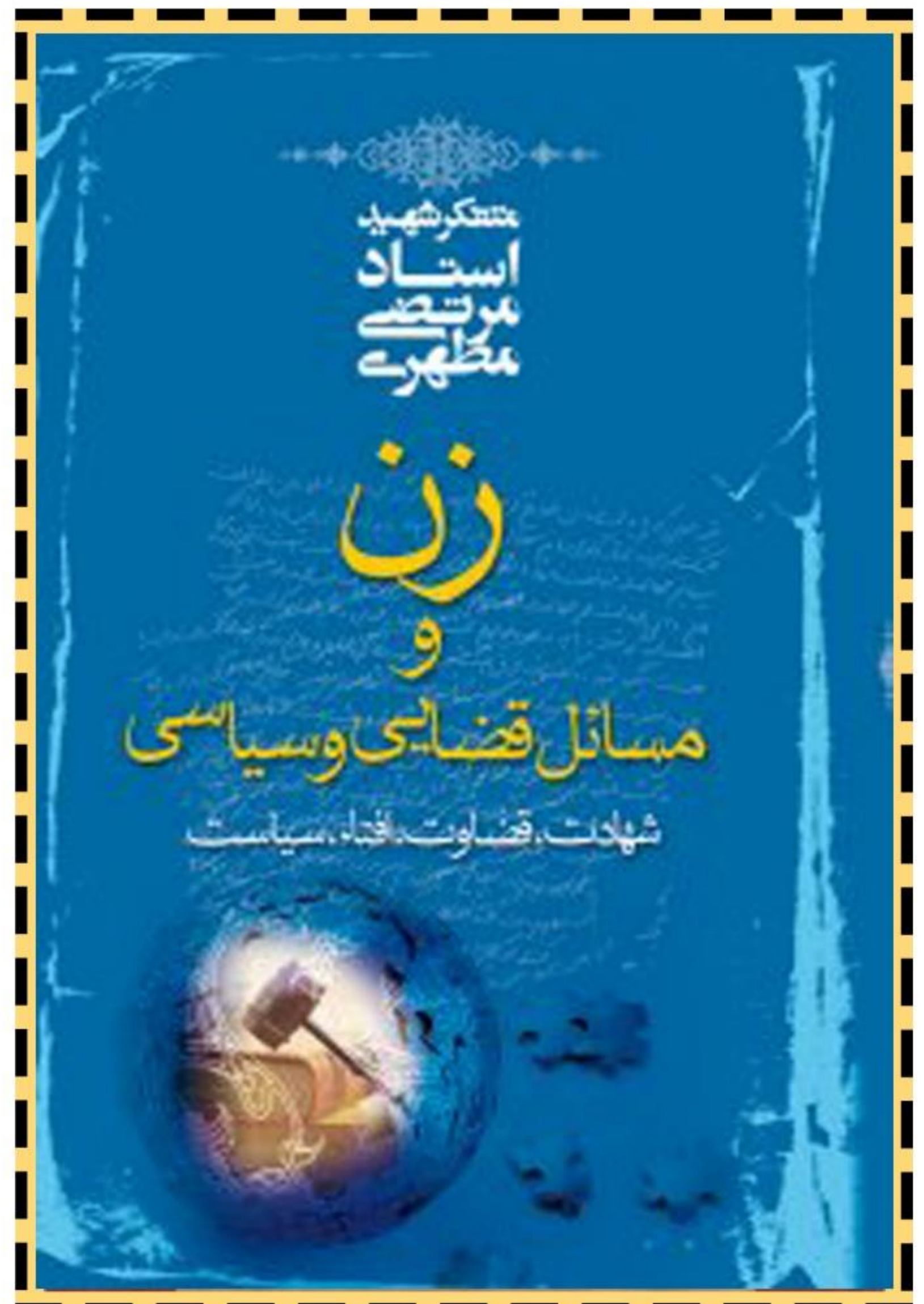


معرفی کتاب حقوقی

موضوع این کتاب، شرح نقش زن در چهار مسئله شهادت، قضاوت، افتاء و سیاست از منظر اسلام و از زبان شهید «مرتضی مطهری» است. کتاب حاضر، بنا بر مباحث پنج جلسه بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان تحت عنوان «زن و مسائل قضایی و سیاسی» که در اواخر سال ۱۳۴۵ و اوایل سال ۱۳۴۶ ه.ش تنظیم شده است. در این کتاب، استاد «مطهری» به سؤالاتی که در بازه زن و چهار مسئله شهادت، قضاوت، افتاء و سیاست معمولاً مطرح می‌شود با بیانی روشن و روان و به صورت متقن، دقیق و غنی پاسخ داده است. پاسخ‌های ارائه شده به سؤال‌های موردنظر تا حدودی نشان‌دهنده بُعد فقهی و شخصیت علمی «شهید مطهری» به عنوان یک متذکر، فیلسوف و فقیه عالی مقام است.

کتاب: زن و مسائل قضایی و سیاسی (شهادت، قضاوت، افتاء، سیاست)

نویسنده: استاد مرتضی مطهری





سرقت در روز روشن!

هیجانی که در درون انسان ایجاد می شود بسیار بالاتر از سرقت های دیگر هست که اتفاق می افتد. اما در پاسخ سوال اول باید گفت متأسفانه وضعیت معیشتی مردم در چند سال اخیر باعث شده است که افرادی مرتکب جرم های مختلفی بشود. در مصاحبه ای که با رئیس پلیس پیشگیری پایتخت در شبکه تلویزیون شد در پاسخ به سوال مجری که تعداد افراد که برای اولین بار مرتکب جرمی شده اند چه تعداد بوده وی آمار افراد به اصطلاح جرم اولی را بالای پنجاه تا شصت درصد بیان کرده است البته شرایط معیشتی در کنار بیماری کرونا باعث تشدید هرچه بیشتر این آمار شده و تعداد بیکاران رو به افزایش بوده قطعا این پدیده های اجتماعی که امروز تبدیل به یک مشکل اساسی شده در بالا رفتن نه تنها سرقت بلکه هر جرم دیگر ی تاثیر داشته باشد و عدم چاره اندیشی در این زمینه بسیار خطرناک خواهد بود چرا که بعد مدتی این گونه جرایم هم در بین مردم یک جرم ساده و عادی تلقی خواهد شد در حالی که عمل مجرمانه حتی کوچک و ناچیز می تواند ذاتا مخرب و ناپسند باشد و ساختار و نظم جامعه را مختل خواهد کرد. در کتاب کافی آمده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا، نزدیک است که فقر انسان را به مرحله کفر برساند». مسئله این است که فقر زمینه انواع انحرافات عقیدتی و اخلاقی را به ویژه در وجود افراد کم ظرفیت فراهم می سازد. بسیار دیده شده است که افراد فقیر افکار مجرمانه را در ذهن می پروراندند و هنگامی که زن و فرزند خود را گرسنه می بینند دست به هر کاری می زنند، قوانین اجتماعی را می شکنند، آداب و اخلاق انسانی را به فراموشی می سپارند و برای رفع فقر خود هر کاری را مجاز می شمارند و اگر شخص فقیر کم ظرفیت واقع شود، به مرز کفر و جنون نزدیک می گردد گرچه این دلیل را نمیتوان صرفا دلیل جرم دانست اما می توان به یقین گفت تاثیر گذاری این مورد با سایر موارد دیگر بیشتر میتواند میباشد

حوالی عصر بیست و نهم مهر ماه نود و نه خبری در شبکه های اجتماعی به گوش می رسید که سه نفر به صورت مسلحانه با سلاح گرم وارد یک طلا فروشی در خیابان حجتی تبریز شده اند و در این بین چند نفر زخمی و یک کشته از این حادثه به جا گذاشته شده است. خبری که اهالی تبریز را به شوک آورد چرا که کمتر سابقه ای از این قبیل حوادث در این کلانشهر اتفاق می افتاد زمان زیادی از این حادثه نگذشته بود که به لطف فضای مجازی صدای شلیک این سارقین در خیابان های تبریز در کل کشور پیچید. فیلم های زیادی از زاویه های مختلف دست به دست می شد اما آن چیزی که در بین این فیلم ها بسیار مشهود بود ایجاد رعب و وحشت سارقین با استفاده از سلاح گرم بر روی عموم مردم بود سارقین برای اینکه مردم را بترسانند و از محدوده سرقت آن ها را فراری دهند به روی مردم شلیک میکردند حتی اخباری های ضد و نقیض به گوش می رسید که ظاهرا یکی از همسایگان برای کمک به همسایه طلافروش خود به نزدیکی سارقان آمده بود که کشته شد خود طلافروش نیز بسیار مجروح شده بود و ظاهرا سارقین نیز وی را با آزار و اذیت مجبور به تحویل طلاها کرده بودند حتی هنگام فرار نیز به روی مردم مجددا شلیک میکردند باتوجه به این اوضاع و احوال و استفاده از سلاح گرم و به ویژه ایجاد رعب و وحشت میتوان گفت در چنین حالتی معمولا اتهام محاربه برای اینگونه سارقین در نظر گرفت، چرا که سلاح کشیدن به روی مردم به قصد ترساندن آنها در مظان اتهام این جرم قرار می دهد و قانون گذار در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی به این مورد اشاره کرده محارب موجب نامنی در محیط شده و قصدارباب و جان و مال افراد را دارد همچنین اتهام سرقت مقرون به آزار و اذیت باتوجه به شرایط گفته شده نیز می توان برای این افراد در نظر گرفت که ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مستند این جرم می باشد البته باید بیشتر موارد را بررسی کرد و تمامی این اتهامات در دادگاه صالح رسیدگی بشود اما نکته مهم در این مورد بحث افزایش چشمگیر این گونه سرقت ها و انواع دیگر سرقت ها با اشکال متفاوت در کشور هست می توان گفت یکی از دلایل که این نوع سرقت در فضای مجازی با سرو صدای فروان همراه بود عدم مشاهده چنین سرقت های با خشونت بالا در سطح شهر باشد. کلانشهری مثل شهر تبریز قطعا با توجه به وسعت و زیادی جمعیت وجود سرقت های در تعداد متعارف امر غیر طبیعی نیست البته که باید سرقت در شهر تبریز که معروف به شهر بدون گداست و سال ها روی این عنوان تلاش های فروانی شده به صفر برسد اما وجود سرقت در روز روشن با این حجم خشونت و یا وجود سرقت های دیگر با اشکال متفاوت چه پیامی را میتواند به ما برساند؟ دلیل دیگر می تواند جذابیت این نوع سرقت برای عموم مردم باشد چرا که با دیدن این صحنه های جنجالی



نویسنده: علیرضا حبیبی

دانشجوی کارشناسی حقوق و فعال فرهنگی



اخبار حقوقی



ایراد شورای نگهبان بر لایحه قانون تجارت

در حالی شورای نگهبان با اصل ۷۴ لایحه تجارت را به مجلس بازگرداند که پیش‌تر اساتید و کارشناسان حقوقی با انتقادات جدی نسبت به پیامدهای منفی لازم‌الاجرا شدن این لایحه هشدار داده بودند. از اواخر دهه ۷۰ نیاز به تغییر قانون تجارت در میان اساتید و کارشناسان کشور احساس شد و برای همین هم کارگروهی با مشارکت نمایندگان دستگاه‌های اداری و اساتید حقوقی تشکیل شد تا هرچه سریع‌تر قانون جدید تجارت تدوین و به مجلس فرستاده شود. بر این اساس در سال ۸۴ لایحه تجارت آماده و به مجلس ارائه شد اما به علت تعداد زیاد مفاد آن هیچگاه در صحن علنی مجلس بررسی نشد و کار بررسی لایحه تا ابتدا دهه ۹۰ به عقب افتاد. در ادامه در سال‌های ۹۱ و ۹۳ لایحه تجارت در مجلس مطرح و در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به تصویب رسید اما با ایراد شورای نگهبان مواجه شد و هر دو بار با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی به مجلس بازگردانده شد. در ایرادهای شورای نگهبان عنوان شده است که مجلس فقط در موارد ضروری می‌تواند قوانین را در کمیسیون‌های مجلس به تصویب برساند و در غیر این صورت حتماً باید در صحن علنی مجلس رای‌گیری صورت گیرد. لایحه تجارت بعد از ایراد شورای نگهبان و بازگشت آن به مجلس مسکوت ماند و مورد بررسی قرار نگرفت تا چند سال بعد در مرداد ۹۸ نمایندگان تصمیم گرفتند که لایحه تجارت با تغییراتی دوباره در دستور کار خود قرار دهند. بر این اساس لایحه تجارت به ۵ دفتر تقسیم شد و ۳ دفتر آن صحن علنی مجلس به تصویب رسید و برای شورای نگهبان ارسال شد اما این بار نیز نتوانست به تایید شورای نگهبان برسد. هادی طحان‌نظیف، عضو حقوقدان شورای نگهبان در خصوص ایراد شورای نگهبان از لایحه تجارت گفت: «مجلس اخیراً تنها بخشی از لایحه تجارت را به شورای نگهبان فرستاد، یعنی چون این لایحه حجم بالایی داشت و تنها بخشی از آن در مجلس تصویب شده بود، به صورت کامل به شورای نگهبان نیز فرستاده نشد». وی افزود: «اعضای شورای نگهبان معتقدند که طبق اصل ۷۴ قانون اساسی، لایحه باید کامل به شورای نگهبان فرستاده شود».



ابلاغ بخشنامه چگونگی رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه مهریه

در این بخشنامه آمده است؛ در خصوص شناسایی و توقیف اموال مدیون (زوج) در عقدنامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا در مواردی که زوجه دادخواست مطالبه مهریه ارایه می‌دهد، لازم است بدو به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه کند تا با توقیف دارایی زوج بتواند حقوق شرعی و قانونی خود را به عنوان مهریه دریافت کند. ثبت اسناد و املاک در صورت عدم حصول نتیجه در شناسایی و توقیف اموال مدیون پس از گذشت ۶ ماه از زمان درخواست اجراییه، گواهی برای محاکم قضایی صادر می‌کند. با عنایت به وضعیت مالی مدیون (زوج) موضوع خواسته زوجه بررسی و حکم مناسب صادر می‌شود. با توجه به اینکه بازداشت محکومین مالی، یک امر استثنایی بوده که در واقع اجرای حکم تلقی نمی‌شود و صرفاً یک اقدام تأمینی در جهت الزام محکوم علیه به پرداخت است، آن هم در صورت احراز و اثبات ملاتت مالی محکوم علیه و امتناع وی از پرداخت محکوم به و از طرفی حضور محکومین مهریه در زندان نه تنها تأثیری در الزام آنها به پرداخت بدهی آنها نداشته، بلکه اثرات و تبعات سوء دیگری نیز به دنبال خواهد داشت؛ به منظور کاهش اطلاع دادرسی و ورودی پرونده به محاکم و نیز کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، با توجه به ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مادتين ۱۸ و ۱۹ دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۴۸۵۹/۹۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ ریاست محترم وقت قوه قضاییه و تأکیدات اخیر ریاست معزز قوه قضاییه و همچنین، فحواى بند (ب) ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که مقرر دارد: مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق ادارات اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجرایی می‌شوند. ادارات مذکور مکلفند بلافاصله پس از تقاضای اجراییه نسبت به شناسایی و توقیف اموال مدیون اقدام کنند.



شاعر: ستار مشایخی

چشم محزونم تو را رب معانر خواندم

عاقبت بر سر لیسندار، اذانر خواندم

بیخودی درس قضا، فقه و مبانی خواندم

حکم تیر مژدهات قتل مراد واجب کرد

مسند الفبا بر تو را با چه زبانر خواندم؟

تو بگو لیسند همه سرگشگی از بھر چه بود؟

مسند که الفاتحه بر جانر جھانر خواندم!

سرم از دار به بالاسر جھانر مرخند

آنچه پیر مرست به یک عمر جوانر خواندم!

زندگمر زھر به کام من دلباخته ریخت

کفر کیسومر تو را با چه فغانر خواندم؟

جسم بی طاقت مسند را به جھنم بردند

مسند مگر شکوه به حق چه خزانر خواندم؟

گلشن عشق مر اباد خزانر پرشده ست

آخر لیسند جرم تو را با چه توانی خواندم؟

ای تست وصله ناجور به سنگ حکم

مقالات و یادداشت های خود را برای ما بفرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم!!!

یک دانشجوی موفق در رشته حقوق زمانی می تواند به یک وکیل یا قاضی و حتی مشاور خوب تبدیل شود که تنها به منابع مورد تاکید اساتید بسنده نکند بلکه مطالعه وسیع تر و خارج از منابع امتحانی داشته باشد شما می توانید ضمن مطالعه از کتاب های معتبر و حتی مقالات به روز این مطالعات و دانش خود را به اشتراک بگذارید بر همین اساس دانشجویان می توانند برای نشریه طنین عدالت مقالات و یادداشت های خود را ارسال نمایند تا پس از تایید اساتید و سردبیر محترم با نام ایشان چاپ شود تا سهمی در افزایش دانش حقوقی دانشجویان داشته باشند لازم به ذکر است به دلیل محدودیت، مقالات باید بطور خلاصه و حداکثر در دو صفحه باشد و با مطالب موجود در کتب و اینترنت یکی نباشد مقاله خود را در قالب ورد برای ما به نشانی تلگرامی زیر بفرستید. منتظریم...



@iaut_nte2

با توجه به برخی تغییرات آی دی قبلی
حذف و آیدی بالا جایگزین می شود

اگر دنبال نکات حقوقی و اخبار حقوقی هستی
اینستاگرام مارو دنبال کن



iaut_nte

www.iaut-nte.ir



اولین باری که بین دو راهی قانون و اخلاق قرار گرفتم مربوط به زمانی بود که قاضی بودم و به پرونده های تخلفات رانندگی رسیدگی می کردم... پرونده پسر دوست پدرم را برایم آوردند که من و خانواده ام چند مدتی در خانه آن ها تا پیدا شدن خانه جدید مهمان بودیم... اخلاق اقتضا می کرد تا او را جریمه نکنم ولی ندای درونم قانون را می پسندید.

بالاخره او را جریمه کردم اما برگ جریمه اش را خودم پرداختم.

پدر علم حقوق ایران استاد ناصر کاتوزیان

